

نقد سیاست کیفری ایران در قبال جرائم زیست‌محیطی

حسن پوربافرانی* و مرضیه همتی**

تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۱۲/۱۱

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۵/۱۸

امروزه یکی از دغدغه‌های اساسی جامعه جهانی بحث حفاظت از محیط زیست است، به گونه‌ای که سازمان ملل متحد یکی از هفت مؤلفه امنیت انسانی را امنیت زیست‌محیطی قلمداد کرده است؛ اهمیت این مسئله از منظر جوامع مختلف به حدی است که ضرورت حفاظت از محیط زیست در اسناد مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، منعکس شده است. با توجه به اینکه تأمین هدف حفاظت از محیط زیست در گرو اتخاذ یک سیاست جنایی منسجم و کارآمد در قبال جرائم زیست‌محیطی است، در این مقاله با تمرکز بر حقوق ایران، تلاش شد تا ضمن نقد قوانین ماهوی و شکلی، یکی از مهم‌ترین بخش‌های سیاست جنایی، یعنی سیاست کیفری در قبال جرائم زیست‌محیطی به بوته نقد گذاشته شده و در پرتو آن با درک خلأها و کاستی‌های سیاست‌های کنونی، زمینه اتخاذ یک سیاست کیفری مطلوب و کارآمد فراهم شود. در این پژوهش که از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته، مشخص شد که سیاست کیفری ایران در قبال جرائم زیست‌محیطی از مواردی نظیر تشتت قوانین، جرم‌انگاری‌های مقید به نتیجه، خلأ ضمانت اجراهای کارآمد، ناکارآمدی جهات عام شروع به تعقیب، فقدان مراجع تخصصی در رسیدگی و اطاله دادرسی و ضعف مشارکت نهادهای مدنی رنج می‌برد و لذا بازنگری و اصلاح قوانین موجود در این عرصه امری ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: جرائم زیست‌محیطی؛ سیاست کیفری؛ محیط زیست؛ قوانین ماهوی؛ قوانین شکلی

* استادیار دانشکده حقوق، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)؛

Email: hpoorbafrani@yahoo.com

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات؛

Email: marzieh.hemati@yahoo.com

مقدمه

امروزه حفاظت از محیط زیست یکی از دغدغه‌های اساسی جامعه جهانی است، در قالب «حق بر محیط زیست سالم»^۱ در عرض ارزش‌های بنیادینی همچون «حق حیات»^۲ و «حق بر سلامتی»^۳ مورد توجه و پذیرش کشورهای مختلف قرار گرفته است؛ به نحوی که در قانون اساسی بالغ بر ۱۱۰ کشور، حق بر محیط زیست سالم و یا ضرورت حفاظت از محیط زیست مورد تأکید قرار گرفته است (مشهدی، ۱۳۹۲: ۷۷-۷۶) و انعکاس این مسئله در بالغ بر هزار سند مختلف بین‌المللی^۴ نیز گواه این مدعاست (شیلتون و کیس، ۱۳۸۹: ۶۲). اهمیت این مسئله به اندازه‌ای است که در تعریف مرکز توسعه سازمان ملل متحد از امنیت انسانی که معادل «رهایی از ترس»^۵ و «رهایی از نیاز»^۶ دانسته شده، هفت شاخص^۷ مورد بررسی قرار گرفته که یکی از این موارد امنیت زیست‌محیطی می‌باشد (رهامی، ۱۳۹۳: ۱۳). بر این اساس و با توجه به عدم کارایی مناسب ضمانت‌اجراهای اداری و مدنی، جامعه بین‌المللی مدت‌هاست از ابزار حقوق کیفری برای حمایت از محیط زیست بهره‌مند شده است (Pereira, 2015: 24). از جمله در این خصوص می‌توان به قطعنامه شورای اروپا مبنی بر «توسل به حقوق کیفری در جهت حمایت از محیط زیست» و نیز هفدهمین کنفرانس وزرای دادگستری اروپا تحت عنوان «حمایت از محیط زیست با توسل به حقوق کیفری» و تلاش‌های فراوان دیگر این شورا اشاره کرد (Ibid.: 45; Eurojust: 2014: 5). در حقوق ایران نیز مسئله حمایت و حفاظت از محیط زیست سال‌هاست که مورد توجه قرار گرفته و

1. Right to Healthy Environment

2. Right to Life

3. Right to Health

۴. این اسناد اعم از معاهدات بین‌المللی چندجانبه یا دوجانبه، قطعنامه‌های الزام‌آور و قطعنامه‌های غیرالزام‌آور هستند (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۷۴: ۲۲). از جمله این اسناد می‌توان به اعلامیه محیط زیست انسانی استکهلم (۱۹۷۲)، اعلامیه محیط زیست و توسعه ریو (۱۹۹۲)، اعلامیه توسعه پایدار ژوهانسبورگ (۲۰۰۲)، منشور جهانی طبیعت (۱۹۸۲)، کنوانسیون بازل در خصوص کنترل انتقالات فرامرزی مواد زائد زیان‌بار و دفع آنها (۱۹۸۹)، کنوانسیون تغییرات اقلیمی (۱۹۹۲)، کنوانسیون رامسر در خصوص تالاب‌های مهم بین‌المللی به ویژه زیستگاه پرندگان آبی (۱۹۷۱)، کنوانسیون تنوع زیستی (۱۹۹۲) و کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲) اشاره کرد.

5. Freedom From Fear

6. Freedom From Want

۷. هفت شاخص امنیت انسانی عبارتند از: امنیت شخصی، قضایی، بهداشتی، زیست‌محیطی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی.

مقنن تلاش کرده تا با تصویب قوانین متعدد به این مهم جامه عمل بپوشاند و در راستای تحقق یک سیاست جنایی تقنینی مطلوب گام بردارد. بدین منظور موضوع برخورداری از محیط زیست سالم در اصل (۵۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، به عنوان مهم ترین سند قانونی کشور، منعکس شده و با اجماع اعضای خبرگان قانون اساسی و بدون مخالف به تصویب رسیده است (اداره کل قوانین مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۱: ۱۲۱۱). طبق این اصل: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می شود. از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.»

با توجه به اینکه تأمین هدف حمایت و حفاظت از محیط زیست در گرو اتخاذ یک سیاست جنایی منسجم و کارآمد در قبال جرائم و صدمات زیست محیطی می باشد و به رغم اینکه مقنن در راستای عمل به رسالت خود سال هاست که ضمن وضع قوانین متعدد، در جهت حمایت از محیط زیست تلاش کرده، ولی همواره در این مسیر با کاستی های مختلفی مواجه بوده است؛ لذا هدف این مقاله آن است تا با نقد سیاست کیفری ایران در قبال جرائم زیست محیطی، زمینه اتخاذ یک سیاست کیفری کارآمد و مطلوب فراهم شود.

بر این اساس در این مقاله طی دو بخش ابتدا به «نقد قوانین ماهوی» و سپس به «نقد قوانین شکلی» با هدف شناسایی و تبیین مهم ترین خلأها، معایب و کاستی های سیاست کیفری ایران در قبال جرائم زیست محیطی می پردازیم تا زمینه اصلاح وضع موجود فراهم شود.

۱. نقد قوانین ماهوی

جرم انگاری و تعیین و اعمال ضمانت اجراهای کیفری، ابزارهای اساسی سیاست جنایی برای تأمین اهداف خویش است. بر همین مبنا، قوانین ماهوی نظام کیفری ایران را می توان به شرح ذیل در دو حوزه جرم انگاری لطمه به محیط زیست و ضمانت اجراهای نقض مقررات آن به نقد گذاشت.

۱-۱. جرم انگاری جرائم زیست محیطی

در نظام کیفری ایران، به منظور تأمین اهداف سیاست جنایی در قبال جرائم زیست محیطی،

جرم‌انگاری‌های متعددی در سالیان مختلف صورت گرفته است. به‌رغم اینکه این میزان از جرم‌انگاری، دلالت بر دغدغه مقنن مبنی بر حمایت کیفری از محیط زیست دارد، تأمل در این مقررات حاکی از این است که در مواردی، اصل کیفی بودن قوانین^۱ و به‌تبع آن جرم‌انگاری مؤثر که تضمین‌کننده کارآمدی وضع مقررات کیفری می‌باشد، رعایت نشده است که موارد ذیل را می‌توان به‌عنوان اهم مصادیق مدعای فوق برشمرد.

۱-۱-۱. عدم انسجام قوانین

اصل قانونی بودن جرم و مجازات، به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین اصول حقوق کیفری، اقتضا می‌کند که سیاستگذاران عرصه کیفری جهت آشنایی تابعان حقوق کیفری با حقوق و تکالیف خود، اعمالی را که جرم شناخته و برای آنها مجازات در نظر گرفته‌اند به صورت شفاف و روشن و در قالب مجموعه‌ای از قوانین منسجم، تدوین و در اختیار تابعان قرار دهند. بنابراین زمانی که در راستای سیاست‌گذاری کیفری یک مجموعه قانونی تنظیم می‌گردد، تلاش می‌شود تا جرم‌انگاری‌ها و مجازات‌ها با توجه به اهداف کلی سیاست‌ها صورت گیرد و معمولاً روح واحدی بر آن حاکم شود درحالی که پراکندگی قوانین باعث تشتت سیاست‌ها، برنامه‌ها و عدم هماهنگی لازم میان آنها می‌گردد به‌نحوی که وضع قوانین پی‌درپی، جرم‌انگاری‌های بی‌رویه و تورم کیفری،^۲ نتیجه‌ای جز سردرگمی تابعان حقوق کیفری نخواهد داشت و نه تنها شهروندان عادی، بلکه حتی گاهی اهل فن و مقامات قضایی نیز در تشخیص ناسخ و منسوخ بودن قوانین دچار ابهام و مشکل می‌شوند (حبیب‌زاده، نجفی ابرندآبادی و کلانتری، ۱۳۸۰: ۶۰؛ کوشکی، ۱۳۸۸: ۹۰). مروری بر قوانین حوزه محیط‌زیست در ایران و وجود حجم انبوهی از مواد قانونی در مجموعه‌های

۱. اصل کیفی بودن قوانین کیفری مستلزم در دسترس بودن، صراحت (که خود مستلزم دقت در قانونگذاری است) و قابل پیش‌بینی بودن آثار متون قانونی است. به‌عبارت‌دیگر علاوه‌بر دسترسی همگان به قانون، قانون کیفری باید آنچنان صریح و شفاف انشا شده باشد که هر شهروندی بتواند رفتار خود را براساس آن تنظیم کند و علاوه‌بر آن شهروند باید بتواند پیامدهای ملموس ناشی از ارتکاب جرم را هم پیشاپیش بداند (مارتی، ۱۳۹۳: ۱۱۰؛ نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۵۳).

متعدد، حاکی از پراکندگی و آشفتگی در جرم‌انگاری است؛^۱ به نحوی که تدوین مجموعه‌ای حجیم بالغ بر ۱۰۰۰ صفحه تحت عنوان «مجموعه قوانین محیط زیست» توسط سازمان حفاظت محیط زیست گواه این مدعاست، این در حالی است که همه این مسائل و موضوعات مهم را می‌توان در قالب یک مجموعه قانونی تنظیم کرد و به تصویب رساند؛ بنابراین به منظور اتخاذ یک سیاست جنایی کارآمد و در راستای تحقق اهداف اصول قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها و کیفی بودن قوانین، جرم‌انگاری‌ها باید در قالب واژگان صریح و شفاف و در قالب یک مجموعه قوانین مشخص و منسجم - که روح و نظمی واحد بر آن حکمفرما باشد - صورت گیرد. در کشورهایی مانند استرالیا و کانادا، این رویه به کار بسته شده (دبیری و کیانی، ۱۳۸۶: ۹۶) و کلیه مقررات زیست محیطی اعم از کیفری و غیر کیفری در ذیل قانون جامع حمایت از محیط زیست بر شمرده شده است.

۲-۱-۱. مقید به نتیجه بودن رکن مادی جرائم

با تأمل در مقررات کیفری زیست محیطی ایران می‌توان مشاهده کرد که برخی جرم‌انگاری‌های صورت گرفته مقید به ورود آسیب به عنوان نتیجه گردیده‌اند و حال آنکه با عنایت به تأثیر عمدتاً غیرقابل جبران جرائم زیست محیطی، مداخله کیفری قبل از حصول نتیجه در قالب وضع جرائم مطلق و همچنین پیش‌بینی «جرائم مانع»، در جهت جلوگیری از وقوع جرائم گسترده‌تر و تبعات زیست محیطی، ضرورت دارد. در همین خصوص می‌توان مداخله کیفری در خصوص دسترسی و استفاده از مواد اولیه آلاینده در کارخانجات، جرم‌انگاری عدم رعایت مقررات نظارتی زیست محیطی در کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و یا ساخت‌وساز در حریم رودخانه‌ها را به عنوان مصادیقی از جرائم مانع ذکر کرد که ضرورت دارد مقنن به آنها توجه بیشتری داشته باشد.

۱. قوانین ذیل، نمونه‌ای از قوانین موجود در زمینه محیط زیست است که به صورت پراکنده و در سالیان مختلف به تصویب رسیده است: قانون جنگل‌ها مصوب ۱۳۲۱، قانون اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی (فلات قاره) مصوب ۱۳۳۴، قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶، قانون شکار و صید اصلاحی ۱۳۷۵، قانون اراضی مستحدث و ساحلی مصوب ۱۳۵۴، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳، قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴، قانون مدیریت پسماندها و مواد زائد مصوب ۱۳۸۳ و بسیاری دیگر از مقررات زیست محیطی.

۲-۱. ضمانت اجرای جرائم زیست محیطی

یکی از مؤلفه‌های ارزیابی یک سیاست جنایی کارآمد، وضع ضمانت اجرای مطلوب و متناسب و اجرای صحیح و دقیق آنها در قبال نقض قوانین و مقررات است تا از این رهگذر یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست جنایی، یعنی پیشگیری از جرم - اعم از پیشگیری پیشینی که ناظر به پیشگیری از ارتکاب جرم توسط افراد ناکرده بزه و پیشگیری پسینی که ناظر بر پیشگیری از تکرار جرم توسط مجرمین می‌باشد - محقق شود. با توجه به این اهمیت، در مقام ارزیابی سیاست جنایی تقنینی ایران از منظر ضمانت اجرا، موارد ذیل را می‌توان به‌عنوان اهم ایرادات موجود در این حوزه برشمرد.

۱-۲-۱. بازدارنده نبودن مجازات‌های موجود

یکی از ایرادهای بارز در حوزه ضمانت اجرای زیست محیطی، بازدارنده نبودن ضمانت اجراهاست؛ توضیح آنکه در تبیین دلایل رفتارهای آلاینده‌گان محیط زیست، بالأخص اشخاص حقوقی به‌عنوان مهم‌ترین و عمده‌ترین مرتکبان این اقدامات، نظریه‌های مختلفی مطرح گشته است^۱ و یکی از نظریه‌های برجسته در این خصوص «رویکرد اقتصادی»^۲ است. رویکرد اقتصادی، بر این مبنا که مجرم با سنجش و محاسبه سود ناشی از ارتکاب جرم و زیان ناشی از اعمال ضمانت اجراها و مجازات، تصمیم به ارتکاب جرم و یا انصراف از آن می‌گیرد، مقرر می‌دارد که اگر به‌طور متعارف و با توجه به عواملی نظیر شدت و حتمیت مجازات‌ها و قدرت و قاطعیت مقامات در تعقیب و مجازات مجرمان، هزینه‌های ارتکاب جرم سنگین‌تر از سود حاصل از آن باشد، مجرم بالقوه از عملی کردن قصد خود مبنی بر ارتکاب جرم، منصرف خواهد شد؛ درحالی که برابر بودن سود و زیان یاد شده و یا به صرفه بودن سود حاصل از جرم نسبت به مجازات احتمالی آن، منجر به عدم تحقق

۱. رویکردهای اقتصادی، مشروعیت، تفاوت فرهنگی، نمایندگی، اقتصاد سیاسی و چرخه حیات از جمله رویکردهایی است که به‌منظور تبیین رفتارهای مشروع و غیرقانونی واحدهای آلاینده محیط زیست مطرح شده‌اند (عبداللهی، ۱۳۸۶: ۱۰۸) که رویکرد اقتصادی و رویکرد رقیب آن یعنی رویکرد مشروعیت مهم‌ترین تئوری‌های مطرح شده در این خصوص هستند (Mark, 1992: 1054-1108).

کارکرد پیشگیرانه مجازات‌ها خواهد شد.^۱ با توجه به اینکه اکثر جرائم زیست محیطی توسط اشخاص حقوقی مطلع، با نقشه از پیش طراحی شده و توأم با سنجش سود و زیان ناشی از جرم ارتکاب می‌یابد، توجه به رویکرد اقتصادی توسط قانونگذار می‌تواند از رهگذر اتخاذ اقدامات و تدابیری مناسب و وضع ضمانت اجرای کارآمد به کارکرد پیشگیرانه ضمانت اجراها مدد رساند (Rees, 2006: 411)؛ حال آنکه در مقام ارزیابی مقررات موجود ایران در حوزه محیط زیست، به نظر می‌رسد به رغم اینکه در وضع و اعمال مجازات‌های زیست محیطی، توجه به عوامل متعددی نظیر سود ناشی از جرائم زیست محیطی، میزان احتمال کشف این جرائم و نقش مجازات‌ها در لطمه به حسن شهرت و اعتبار مرتکبان جرائم و آلاینده‌های زیست محیطی، می‌تواند نقش مؤثری در بازدارندگی مجازات و تحقق کارکردهای پیشگیرانه سیاست جنایی ایفا کند (عبداللهی، ۱۳۸۶: ۹۹)، از این رو ضمانت اجرای موجود در تأمین این اهداف کارایی مکفی را نداشته است. اغلب مقررات زیست محیطی که عمدتاً به جهت قدمت و مدت زیادی که از عمر آنها می‌گذرد مشتمل بر مبالغ ناچیزی به عنوان جزای نقدی هستند،^۲ فاقد اوصاف و کارکردهای مجازات مناسب و بازدارنده می‌باشند و در راستای اتخاذ یک سیاست جنایی مطلوب، بازنگری و

۱. این تئوری که به تئوری انتخاب عقلایی نیز معروف است اولین بار توسط جرمی بنتام، فیلسوف انگلیسی، مطرح شد که بعدها به عنوان مبنای یکی از مهم‌ترین مدل‌های پیشگیری از جرم یعنی پیشگیری وضعی مطرح گشت.

۲. به عنوان نمونه می‌توان به ناچیز بودن مبالغ جزای نقدی در قوانین ذیل اشاره کرد:

ماده (۴۳) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها مصوب ۱۳۴۶: «بریدن و ریشه کن کردن بوته‌ها و خارها و درختچه‌های بیابانی و کویری و کوهستانی در مناطق کویری و بیابانی، ممنوع است. متخلف به حبس تا ده روز یا پرداخت غرامت تا دو بیست و یک ریال محکوم و در صورت تکرار به هر دو مجازات محکوم خواهد شد».

ماده (۱۳) قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ و اصلاحی ۱۳۷۱: «کسانی که از مقررات و ضوابط مذکور در آیین‌نامه‌های موضوع ماده (۱۰) تخلف نمایند، برحسب مورد ... به جزای نقدی از پانصد ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهند شد».

ماده (۱۶) قانون مدیریت پسماند مصوب ۱۳۸۳: «نگهداری، مخلوط کردن، جمع‌آوری، حمل و نقل، خرید و فروش، دفع، صدور و تخلیه پسماندها در محیط، طبق مقررات این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن خواهد بود. در غیر این صورت اشخاص متخلف به حکم مراجع قضایی به جزای نقدی در بار اول پسماندهای عادی از پانصد هزار تا یکصد میلیون ریال و برای سایر پسماندها از دو میلیون ریال تا یکصد میلیون ریال و در صورت تکرار، هر بار به دو برابر مجازات قبلی در این ماده محکوم می‌شوند ...».

اصلاح آنها از سوی قانونگذار ضروری است.^۱ البته با توجه به ماده (۶۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ دولت می‌تواند هر سه سال یکبار در مبالغ جزای نقدی تجدیدنظر کند ولی در عمل با توجه به این که اعمال این مقررره برای دولت، الزامی نیست و اختیارات دولت در اعمال این ماده وسیع بوده و نرخ تورم یکی از معیارهای تعدیل جزای نقدی است، تغییرات به وجود آمده در مبالغ جزای نقدی کافی نبوده و لذا در راستای اتخاذ سیاست جنایی کارآمد و مؤثر واقع شدن ضمانت‌اجراهای کیفری از جمله جزای نقدی، باید با در نظر گرفتن واقعیت‌های جامعه و همکاری کارشناسان اقتصادی و اهل فن، نسبت به اصلاح مقررات موجود اقدام کرد (کوشکی، ۱۳۸۸: ۹۹-۹۸).

در ماده (۲۸) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز برای جبران عقب‌افتادگی جزای نقدی مقرر در همه قوانین گفته شده است: «کلیه مبالغ مذکور در این قانون و سایر قوانین از جمله جزای نقدی به تناسب نرخ تورم اعلام شده به وسیله بانک مرکزی هر سه سال یک بار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیئت وزیران تعدیل و در مورد احکامی که بعد از آن صادر می‌شود، لازم‌الاجرا می‌گردد». این ماده تا حدود زیادی می‌تواند مفید واقع شود ولی چاره کار پیش‌بینی مقرراتی در خود قوانین ناظر به محیط زیست است. به نظر می‌رسد یکی از اقدامات مفیدی که برای برطرف کردن ضعف تأثیرپذیری جزای نقدی از نوسان‌های پول رایج می‌توان انجام داد، اعمال جزای نقدی نسبی به جای جزای نقدی ثابت است، به عبارت دیگر به جای تعیین مبالغ ثابتی (مثلاً ده میلیون تا صد میلیون ریال) به عنوان جزای نقدی در قوانین، می‌توان با تعیین نسبت‌هایی در قوانین (مثلاً دو یا چند برابر عواید حاصل

۱. با توجه به اینکه جزای نقدی به عنوان یک مجازات، بسیار تأثیرپذیر از نرخ تورم و نوسان‌های ارزش پول رایج است، قانونگذار ناگزیر از هماهنگ کردن مبالغ جزای نقدی با وضعیت اقتصادی کشور است و از آنجا که تقنین، فرایندی طولانی و زمان‌بر است، عملاً این نوع مجازات، کارایی و تأثیرگذاری خود را از دست خواهد داد.

۲. ماده (۶۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت: «به دولت اجازه داده می‌شود براساس پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و متناسب با عواملی همانند کاهش هزینه‌های دولتی ناشی از اصلاح ساختار اداری و کاهش نیروی انسانی و نرخ تورم، هر سه سال یکبار نسبت به کاهش یا افزایش مبالغ ریالی مندرج در قوانین و مقررات در زمینه جرائم، تعرفه‌ها و خدمات دولتی، حقوق دولتی و عناوین مشابه با رعایت مفاد برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران اقدام و مراتب را ابلاغ نماید».

از جرم و یا خسارات ناشی از جرم) تعیین مبلغ جزای نقدی به نسبت آثار جرم را در اختیار مقامات قضایی قرار داد.

علاوه بر ضعف در کمیت مجازات‌ها، سیاست تقنینی ایران از حیث نوع واکنش اتخاذی در مقابل مرتکبین جرائم زیست محیطی و عدم توجه به رویکرد موصوف به «رویکرد مشروعیت»^۱ نیز قابل نقد می‌باشد.^۲ توضیح آن که اشخاص حقوقی که براساس میل و اراده اجتماع و از طریق قرارداد اجتماعی تأسیس می‌شوند، برای حفظ موجودیت و ادامه حیات خویش، باید مشروعیت و مقبولیت اجتماعی داشته باشند (Deegan, 2002: 293). براساس این رویکرد، مجازات‌ها و به‌طور کلی ضمانت اجراها باید با مورد هدف قرار دادن اعتبار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آلاینده‌گان، در پیشگیری از جرائم آنان مؤثر واقع شوند (Emery and Watson, 2004: 741-759) و حال آنکه بسنده کردن به جزای نقدی در واکنش به جرائم اشخاص حقوقی، نه تنها ممکن است لطمه‌ای به حسن شهرت شخص حقوقی نزند، بلکه ممکن است هزینه این مجازات‌های مالی، به مصرف کنندگان محصولات و خدمات شخص حقوقی تحمیل شود (Faure and Visser, 2004: 17)؛ در همین خصوص، اتخاذ ضمانت اجراهای «سالب حیثیت» مانند انتشار حکم محکومیت شخص حقوقی در رسانه‌ها و نیز ضمانت اجراهای «اخلالگر در فعالیت شخص حقوقی» همچون تعطیلی موقت شخص حقوقی، یا محرومیت دائم یا موقت وی از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی و سایر ضمانت اجراهای متصور که حسن شهرت و کارکرد شخص حقوقی را مورد هجوم قرار می‌دهد، می‌تواند به مراتب قدرت بازدارندگی بیشتری داشته باشد. گفتمنی است یکی دیگر از مجازات‌هایی که می‌تواند جلو ارتکاب آن دسته از جرائم زیست محیطی که به هدف کسب سود و منفعت واقع می‌شوند را سد کند، مصادره

1. Legality Approach

۲. از منظر رویکرد مشروعیت، تئوری اقتصادی، فقط قادر به تبیین بخشی از رفتارهای آلاینده‌گان محیط زیست است چرا که در برخی موارد با وجود احتمال اندک کشف جرم و ناچیز بودن ضمانت اجراهای پیش‌بینی شده در خصوص جرائم زیست محیطی، باز هم این قوانین و مقررات به جهت حفظ وجهه و حسن شهرت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رعایت می‌شود.

اموال است که این مجازات اگر چه در برخی مقررات زیست محیطی تقریر شده است، ولی با توجه به محدود بودن آن موارد، ضروری است که اعمال آن با در نظر گرفتن مقتضیات شخص حقوقی و اهداف کیفرشناختی، به سایر مصادیق لازم تسری یابد.

شایان ذکر است در ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مجازات‌های مورد اشاره برای اشخاص حقوقی در نظر گرفته شده‌اند. این مجازات‌ها اعم از «نابودگر» شخص حقوقی، «مجازات‌های اخلاک‌گر» در فعالیت شخص حقوقی و «مجازات‌های سالب حیثیت» شخص حقوقی هستند. لذا تا حدودی در این خصوص پیشرفت حاصل شده است. بنابراین اگر در حال حاضر یک شخص حقوقی مرتکب جرائم زیست محیطی شود، دادگاه‌ها می‌توانند با استناد به این ماده مجازات‌های مندرج در ماده (۲۰) را اعمال کنند. در عین حال اگر در قانون خاصی صرفاً برای رفتار مجرمانه متناسب به شخص حقوقی، جزای نقدی در نظر گرفته شده باشد، به جهت خاص بودن آن قانون و اینکه قانون عام مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نمی‌تواند نسخ آن باشد، کماکان دادگاه‌ها مکلف به صدور حکم به جزای نقدی (نه مجازات‌های مندرج در ماده (۲۰)) هستند. مضافاً که ضرورت اتخاذ سیاست کیفری یکسان، منسجم و قابل اجرا در مورد مجازات‌های زیست محیطی، اقتضای بازنگری در همه مجازات‌های وضع شده چه در مورد اشخاص حقیقی و چه در مورد اشخاص حقوقی را دارد.

۲-۲-۱. خلأ ضمانت اجرای اجتماعی

هرچند عدم شدت و بازدارندگی مجازات‌های زیست محیطی در زمره ضعف‌های بارز سیاست جنایی تقنینی ایران است اما به نظر می‌رسد که صرف افزایش میزان و شدت مجازات‌ها، حداقل در برخی حوزه‌های زیست محیطی، نمی‌تواند کارآمد باشد زیرا ارتکاب بسیاری از جرائم زیست محیطی ریشه در فرهنگ ناصحیح توسعه دارد و از همین حیث، صرف به کار بستن کیفرهای سنتی در قبال این جرائم، نه تنها تأثیر بسزایی در پیشگیری از ارتکاب آنها ندارد بلکه قابلیت سرزنش مرتکبان آنها نیز در خور تأمل است (O'hear, 2004: 229-230)؛ به همین دلیل امروزه حقوق کیفری مدرن، به این سمت

حرکت می‌کند که در کنار مجازات‌های سنتی، در سیاست جنایی خود از مجازات‌های جدیدی همچون اجبار آلاینده‌گان به اعاده وضع به حال سابق، پاکسازی محیط آلوده شده، انتشار حکم صادر شده برای آگاهی عمومی،^۱ محرومیت از تبلیغ، تکلیف به درج محکومیت بر روی کالاها تولید شده، تکلیف به عذرخواهی عمومی و انتشار بودجه‌های زیست‌محیطی استفاده کند (عبدالهی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۸).

گفتنی است یکی از موانع عمده که بر سر راه حمایت مؤثر از محیط زیست وجود دارد، عدم درک و آگاهی ناقضان حقوق محیط زیست نسبت به تبعات رفتار خویش و ارزش‌هایی است که به مناسبت رفتار آنها مورد خدشه قرار می‌گیرد (Levin and Reddy, 2012: 1-6) و لذا اتخاذ اقداماتی نظیر الزام مرتکبان جرائم زیست‌محیطی به گذراندن دوره‌های آموزشی محیط زیست که با حضور متخصصان علوم رفتاری و زیست‌محیطی برگزار می‌شود، می‌تواند گامی مؤثر در ارتقای آگاهی مجرمان، افزایش حس مسئولیت‌پذیری، ایجاد حس شرمساری بازگرداننده و در نتیجه بازدارندگی نسبت به تکرار جرائم توسط این مجرمان باشد. در حقوق ایران مصادیقی از مجازات‌های اجتماعی از قبیل الزام به انجام خدمات عمومی،^۲ محرومیت از خدمات اجتماعی^۳ و الزام به گذراندن دوره‌های آموزشی^۴ پیش‌بینی شده است؛ اما اولاً این تدابیر، صرفاً تحت نهادهای مجازات تکمیلی و تبعی و یا مجازات‌های جایگزین حبس (و نه به‌عنوان مجازات اصلی) تعبیه شده است که به فرض وجود شرایط آن، اختیار اجرای آن با مقام قضایی است؛ ثانیاً علاوه بر

۱. مجازات انتشار حکم برای آگاهی عمومی و در راستای تحقق سیاست «افشای نام و شرم‌نامه‌سازی» (Naming and Shaming) صورت می‌گیرد.

۲. محکومیت به خدمات عمومی، در زمره مجازات‌های تکمیلی (موضوع بند «د» از ماده (۲۳)) و همچنین از مصادیق مجازات‌های جایگزین حبس (موضوع ماده (۶۴)) در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است.

۳. این نوع مجازات، به صورت کاملاً موردی در قالب مجازات‌های تکمیلی (ماده (۲۳)) و همچنین در قالب مجازات‌های تبعی (موضوع ماده (۲۵)) قانون مجازات اسلامی) و مجازات‌های جایگزین حبس (موضوع ماده (۶۴)) قانون مجازات اسلامی) آمده است که مصداق اول، ناکافی و مصداق دوم منصرف از بحث حاضر می‌باشد و شرایط اعمال این محرومیت در مصداق سوم نیز مطابق ماده (۶۴) کمتر در مورد جرائم زیست‌محیطی قابل صدق است.

۴. الزام به گذراندن دوره‌های آموزشی در حال حاضر، در بند «ح» از ماده (۴۳) قانون مجازات اسلامی و در زمره تدابیر مراقبتی در تعویق صدور حکم و یا تعلیق مجازات پیش‌بینی شده است.

محدودیت از حیث جرائم، بعضاً اجرای آنها منوط به تحقق شرایط خاصی همچون گذشت شاکی خصوصی است؛ ثالثاً اعمال این نهادهای جایگزین درخصوص جرائم زیست محیطی نهادینه سازی نشده و به تبع آن بسترهای اجرایی آن فراهم نگشته است و حال آنکه کارآمدی این ضمانت اجراها منوط به تخصیص جایگزین های متناسب با جرائم زیست محیطی مانند الزام به پاکسازی منطقه آلوده شده و یا الزام به انجام هزینه برای حفاظت از محیط زیست است.

۳-۲-۱. فقدان ضمانت اجرا در قبال اشخاص حقوقی دولتی یا عمومی

ماده (۱۴۳) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به نحو مستقل از اشخاص حقیقی به رسمیت شناخته^۱ و در ماده (۲۰) این قانون ضمانت اجرای مختلفی (از مصادره اموال تا انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه ها) را در قبال جرائم اشخاص حقوقی پیش بینی کرده است^۲؛ بنابراین، تبصره ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی، اشخاص حقوقی دولتی و اشخاص عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می کنند را از شمول ضمانت اجرای ماده (۲۰) مستثنا دانسته است. هر چند پیش بینی مفاد این تبصره در مقام مرتفع کردن دغدغه مقنن در تداوم اعمال دولتی و حاکمیتی به نظر می رسد اما نمی توان از نظر دور داشت که بسیاری از آسیب های حوزه محیط زیست می تواند ناشی از اقدامات سازمان ها و شرکت های دولتی یا عمومی باشد که در عرصه صنایع و تأمین انرژی کلان کشور متصدی هستند و فقدان هرگونه ضمانت

۱. ماده (۱۴۳) قانون مجازات اسلامی: «در مسئولیت کیفری، اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود...».

۲. ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی: «در صورتی که شخص حقوقی براساس ماده (۱۴۳) این قانون مسئول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می شود. این امر مانع از مجازات اشخاص حقیقی نیست: الف) انحلال شخص حقوقی، ب) مصادره کل اموال، پ) ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال، ت) ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال، ث) ممنوعیت از اصدار برخی اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال، ج) جزای نقدی، چ) انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه ها.».

اجرای قابل اعمال در خصوص این دسته از اشخاص حقوقی محل تأمل است. از این رو، هر چند اعمال برخی ضمانت اجراها مانند انحلال و یا مصادره اموال معارض با ماهیت اشخاص حقوقی دولتی است، اما اعمال گونه‌هایی از این ضمانت اجراها مانند انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها، می‌تواند جلوه‌ای از مسئولیت دولت در قبال مخاطرات زیست محیطی باشد که ایجاد آن به هیئت دولت یا سیاست‌های کلان یک ارگان دولتی منتسب است.

۲. نقد قوانین شکلی

برخلاف بزه‌دیدگان جرائم سنتی، محیط زیست، بزه‌دیده خاموشی است که هرگز توان دفاع از خود را ندارد. گاهی اوقات که به جهت ارتکاب جرائم زیست محیطی خساراتی به اشخاص یا اموال دیگران وارد می‌شود مانند پیدایش بیماری‌های ناشی از دفع پسماندهای خطرناک در آب‌های شیرین، به علت وجود شاکی خصوصی، محیط زیست نیز به طور غیرمستقیم از حمایت‌های حقوق کیفری بهره‌مند می‌شود، اما در مواردی که تخریب و آلودگی محیط زیست مستقیماً باعث بروز خسارت به کسی نمی‌شود، شناسایی و پیگرد متهمان جرائم زیست محیطی کاملاً به وجود و عملکرد صحیح دستگاه‌های نظارتی، اعم از ضابطان و مقامات قضایی، وابسته است؛ قطع بی‌رویه درختان جنگل‌ها و تولید گازهای گلخانه‌ای توسط شرکت‌ها و کارخانه‌ها از جمله این جرائم هستند که با توجه به نداشتن شاکی خصوصی مستقیم، نظارت قوی، جدی و بموقع دستگاه‌های نظارتی را ضروری می‌کنند. بنابراین با توجه به اینکه تحقق اهداف یک سیاست جنایی مطلوب برای حمایت از محیط زیست و پیشگیری از جرائم زیست محیطی در گرو ایجاد و تقویت دستگاه‌های نظارتی نوین، قوی و تخصصی به منظور پایش اقدامات خطرناک و مخرب محیط زیست و گزارش این جرائم به مقامات قضایی و مراجع ذیصلاح است، فرهنگ‌سازی و ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی، تربیت و بهره‌گیری از ضابطان و قضات متخصص در عرصه محیط زیست، روزآمد کردن اطلاعات ضابطان و قضات از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی، تشکیل دادگاه‌های تخصصی در رسیدگی به دعاوی مربوطه و پذیرش سمت

سازمان‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد در طرح و پیگیری این دعاوی ضرورتی انکارناپذیر است. در این قسمت، به سه مورد از مهم‌ترین ایرادهای قوانین شکلی اشاره می‌شود که رفع آنها به تحقق سیاست جنایی مطلوب در قبال جرائم زیست‌محیطی کمک شایانی می‌کند.

۱-۲. ناکارآمدی جهات عام شروع به تعقیب در قبال جرائم زیست‌محیطی

کشف جرم و شروع به تعقیب متهم در زمره مراحل اساسی دادرسی محسوب می‌شود که نیازمند تخصیص نهادهای قدرتمند دارد. در قانون آیین دادرسی کیفری ایران این جهات در ماده (۶۴) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ برشمرده شده است. طبق این ماده: «جهات قانونی شروع به تعقیب به شرح ذیل است: الف) شکایت شاکی یا مدعی خصوصی، ب) اعلام و اخبار ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن، پ) وقوع جرم مشهود، در برابر دادستان یا بازپرس، ت) اظهار و اقرار متهم، ث) اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر». ملاحظه می‌شود که بسیاری از این جهات، فاقد کارایی لازم در خصوص جرائم زیست‌محیطی است که خود به افزایش رقم خاکستری^۱ و رقم سیاه بزهکاری منجر می‌شود. در خصوص شکایت شاکی، بزه‌دیده بسیاری از جرائم زیست‌محیطی ممکن است هرگز مشخص نشود و اساساً خود شخص بزه‌دیده نیز در کی از قربانی شدن خویش نداشته باشد مانند شخصی که بر اثر آلودگی هوا مبتلا به بیماری می‌شود. همچنین گاهی قربانی جرائم زیست‌محیطی، منابع طبیعی و حیوانات هستند که استفاده از ظرفیت شکایت شاکی برای کشف و شروع به تعقیب این جرائم منتفی است. از سوی دیگر، در بسیاری از جرائم به دلیل تخصصی بودن، آشکار نبودن بسیاری از جرائم زیست‌محیطی، عدم آشنایی ضابطان و عام بودن وظایف ایشان، درصد کمی از این جرائم توسط ضابطان امکان کشف و اعلام جرم (براساس گزارش ضابطان دادگستری) دارد و اختیارات ضابطان خاص در حوزه جرائم زیست‌محیطی نیز به صورت محدود بوده و درصد کمی از جرائم زیست‌محیطی را پوشش می‌دهد. علاوه بر این ماهیت بسیاری از جرائم زیست‌محیطی، امکان مشهود بودن آن در برابر مقام قضایی را سلب می‌کند و همین

۱. به نرخ جرائمی که با وجود کشف جرم، مرتکبان آن شناخته نمی‌شود، رقم خاکستری بزهکاری اطلاق می‌شود.

موضوع در منابع اطلاع دادستان از وقوع جرم نیز مؤثر است. در خصوص اعلام جرم اشخاص ثالث و عموم مردم موضوع ماده (۶۵) قانون آیین دادرسی کیفری^۱ نیز به دلیل نداشتن دغدغه‌های زیست محیطی بسیاری از مردم، پنهان ماندن بسیاری از این جرائم از دید عموم و عدم درک از اهمیت آن، نسبت به گزارش این جرائم اقدام نمی‌کنند؛ در نتیجه به نظر می‌رسد که جهات عام شروع به تعقیب فاقد کارایی مورد انتظار در جرائم زیست محیطی باشد و پیش‌بینی ضابطان خاص و افزایش اختیارات مقامات نظارتی در این حوزه‌کی از ضرورت‌های انکار نشدنی در کشف و تعقیب جرائم زیست محیطی است.

شایان ذکر است، ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴)، برخی از این ایرادها را بر طرف کرده است. طبق این ماده: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند». ملاحظه می‌شود که این ماده حق اعلام جرم برای سازمان‌ها و انجمن‌های زیست محیطی را پیش‌بینی کرده و حتی حق شرکت در تمامی مراحل دادرسی را هم به آنها داده است. بدیهی است اعلام جرم از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد مشمول شرایط و محدودیت‌های مقرر در ماده (۶۵) قانون آیین دادرسی کیفری نیز نمی‌باشد (ناجی زواره، ۱۳۹۴: ۹۱). با این وجود عدم پیش‌بینی حقوق شاکی برای سازمان‌های مردم‌نهاد، تا حد زیادی دامنه کارآمدی این مقرر را کاهش می‌دهد. توضیح اینکه در این ماده (اصلاحی ۱۳۹۴) فقط حق اعلام جرم و شرکت در جلسات دادرسی به نهادهای مردم‌نهاد داده شده و برعکس متن اولیه قانون (۱۳۹۲) حق اقامه دلیل و اعتراض نسبت به آرای مراجع قضایی به آنها داده نشده است.

۱. ماده (۶۵): «هرگاه کسی اعلام کند که خود ناظر وقوع جرمی بوده و جرم مذکور از جرائم غیرقابل گذشت باشد، در صورتی که قرائن و اماراتی مبتنی بر نادرستی اظهارات وی وجود نداشته باشد، این اظهار برای شروع به تعقیب کافی است، هر چند قرائن و امارات دیگری برای تعقیب موجود نباشد؛ اما اگر اعلام‌کننده شاهد قضیه نبوده، به صرف اعلام نمی‌توان شروع به تعقیب کرد، مگر آنکه دلیلی بر صحت ادعا وجود داشته باشد یا جرم از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی باشد».

۲-۲. عدم پیش‌بینی نهادهای اختصاصی - تخصصی کیفری در قبال جرائم زیست‌محیطی

تأسیس مراجع و نهادهای اختصاصی در حقوق کیفری، در زمره استلزامات تخصص‌گرایی و به‌کارگیری افراد متخصص و اهل فن، به‌عنوان ضابط و مقام قضایی است که به جهت فنی و پیچیده بودن جرائم زیست‌محیطی، در تحقق اهداف عدالت کیفری در حوزه محیط زیست بسیار تأثیرگذار است و موارد ذیل را می‌توان از اهم جلوه‌های آن دانست.

۱-۲-۲. عدم تخصص‌گرایی ضابطان دادگستری

ضابطان دادگستری، علاوه بر آنکه نقش بارزی در کشف جرائم دارند، در شناسایی مجرمان و اجرای دستورات و آرای مقامات قضایی نیز وظایف اساسی بر دوش دارند؛ به‌نحوی که در بسیاری موارد گزارش این ضابطان منشأ تعقیب کیفری یا تصمیمات قضایی قرار می‌گیرد و یا به‌عنوان اشخاص حاضر در صحنه جرم، در رویارویی مستقیم با مجرمان قرار می‌گیرند. بدیهی است آشنایی این ضابطان با قوانین زیست‌محیطی، تخصص این ضابطان در نحوه تنظیم گزارش‌ها و انجام اقدامات ضروری اولیه در قبال جرائم زیست‌محیطی در زمره موارد با اهمیتی است که تحقق آن در گرو وجود ضابطان ویژه جرائم زیست‌محیطی است.

با وجود این اهمیت، ضابطان خاص در جرائم زیست‌محیطی منحصر به موارد خاصی از جمله جنگلبانان،^۱ مأموران سازمان حفاظت از محیط زیست در اجرای قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و قانون شکار و صید^۲ و مأموران شهرداری در اجرای وظایف قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها^۳ به صورت محدود می‌باشند و هرچند ماده (۳۰)

۱. ماده (۱۲) قانون حفاظت از جنگل‌ها و مراتع: «نسبت به بزه‌های مذکور در این قانون، مأمورین جنگلبانی وزارت کشاورزی جزء ضابطین دادگستری به‌شمار آمده و گزارش آنها، مطابق تکلیفی که در فصل دوم از باب یکم قانون آیین دادرسی کیفری ذکر شده، معتبر خواهد بود».

۲. ماده (۱۵) قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست: «مأمورین سازمان که از طرف سازمان مأمور کشف و تعقیب جرائم فوق‌الذکر می‌شوند، در صورتی که وظایف ضابطین دادگستری را در کلاس مخصوص زیر نظر دادستان شهرستان تعلیم گرفته باشند، از لحاظ اجرای این قانون و قانون شکار و صید در ردیف ضابطین دادگستری محسوب می‌شوند».

۳. ماده (۸) قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهرها: «گزارش مأمورین شهرداری‌های مأمور اجرای این قانون که قبلاً با وظایف ضابطین دادگستری آشنا شده‌اند، به‌منزله گزارش ضابطین دادگستری است».

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاح مقررات مربوط به ضابطان دادگستری، گام‌های مثبتی را درخصوص الزامی کردن فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی تحت نظر مرجع قضایی و تحصیل کارت ویژه برای احراز عنوان دادگستری برداشته است که نسبت به قانون سابق آیین دادرسی کیفری، اقدامی مثبت و گامی رو به جلو محسوب می‌شود، ولی با توجه به اینکه آموزش‌های عمومی ناظر به مواردی همچون تشخیص حقوق و تکالیف ضابطان و اشخاص در مواجهه با جرائم مشهود و غیرمشهود است و نه آموزش‌های تخصصی مربوط به دعاوی فنی زیست محیطی، تا رسیدن به نقطه مطلوب همچنان فاصله است و ضرورت تشکیل ضابطان دادگستری خاص جرائم زیست محیطی به صورت عام‌الشمول ملموس به نظر می‌رسد.

۲-۲-۲. عدم امکان تشکیل دادگاه‌های تخصصی

تحقق یک سیاست جنایی مطلوب، مستلزم اتخاذ سیاست‌های منسجم و هماهنگ تقنینی، اجرایی، قضایی و مشارکتی است و همان‌طور که وضع قوانین صریح، شفاف و به دور از تشتت و پراکندگی و اجرای این قوانین از شاخصه‌های یک سیاست جنایی کارآمد محسوب می‌شود، نظارت بر اجرا، پیشگیری از نقض و برخورد با تخلف از قوانین نیز ضامن نیل به اهداف سیاست جنایی می‌باشد؛ اتخاذ واکنش متناسب با شدت و اهمیت جرائم زیست محیطی نیازمند آگاهی قضات نسبت به شدت لطمات زیست محیطی است که متأسفانه فقدان این آگاهی منجر به شکل‌گیری یک سیاست قضایی معارض با سیاست تقنینی می‌شود که نمود آن را تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در تبدیل مجازات‌های حبس مقرر در قانون به جزای نقدی مشاهده می‌کردیم (کوشکی، ۱۳۸۸: ۹۷-۹۶)؛^۱ به‌عنوان نمونه برخلاف سیاست تقنینی که در آن حبس به‌عنوان یکی از مجازات‌های متداول نظام کیفری و به‌وفور در قوانین و از جمله در قوانین و مقررات زیست محیطی پیش‌بینی شده است، رویه

۱. طبق ماده (۲۷) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مجازات حبس فقط تا سه درجه قابل تقلیل (تخفیف) است و قابل تبدیل نیست. باین حال نهادهای دیگری مانند تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات و جایگزین‌های حبس در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است که در صورت وجود شرایط لازم می‌توان با توسل به آنها از صدور حکم حبس خودداری کرد.

عملی محاکم و سیاست قضایی حاکم بر آن، دلالت بر عدم تمایل به اعمال این مجازات در خصوص پاسخ‌دهی به جرائم زیست‌محیطی داشته و دارد.

از سوی دیگر، فقدان دادگاه ویژه برای رسیدگی به جرائم زیست‌محیطی، سبب می‌شود که رسیدگی به این پرونده‌ها با اطاله دادرسی مواجه شده و برای مدت زمان طولانی به طول بیانجامد، حال آنکه با عنایت به ابعاد خسارات احتمالی ناشی از جرائم زیست‌محیطی، در برخی موارد فوریت در واکنش مناسب می‌تواند موجب جلوگیری از تبعات مرگبار و زیان‌باری شود که با طولانی شدن زمان از دست می‌رود و از همین حیث نیز قوانین جمهوری اسلامی ایران در برخی موارد نسبت به فوریت و خارج از نوبت رسیدگی شدن پرونده‌های زیست‌محیطی تصریح داشته‌اند^۱ که متأسفانه به واسطه حجم کثیر پرونده‌ها، به‌نظر نادیده انگاشته می‌شود. تمامی این موارد و این موضوع که اساساً تشکیل دادگاه‌های اختصاصی جلوه‌ای از اهمیت موضوع و سبب انسجام رویه قضایی می‌گردد، ضرورت تشکیل دادگاه‌های تخصصی را می‌رساند. مطالعه قوانین و مقررات کیفری در حوزه آیین دادرسی از ابتدا تاکنون حاکی از خلأ قانونی در خصوص لزوم تشکیل دادگاه‌های تخصصی در عرصه حقوق محیط زیست است و هرچند قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در ماده (۲۵) این اجازه را به ریاست قوه قضائیه اعطا کرده است که به تشکیل دادرسی‌های تخصصی مبادرت ورزد اما تاکنون اقدامی در خصوص تشکیل دادرسی‌های تخصصی جرائم زیست‌محیطی صورت نگرفته است. تنها در موارد محدودی شعبه خاصی از دادگاه‌ها این جرائم را رسیدگی می‌کند ولی اینکه آیا متصدی رسیدگی‌کننده به این جرائم دارای تخصص لازم به شرح پیش گفته است، محل ابهام جدی است.

۲-۲-۳. عدم تشکیل هیئت‌های تخصصی اداری در رسیدگی به جرائم زیست‌محیطی
علاوه بر تشکیل دادگاه‌های تخصصی، ایجاد هیئت‌های تخصصی اداری - شبه قضایی از

۱. از جمله تبصره ماده (۶۹۰) قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ که در برخی مصادیق خود به حمایت کیفری از محیط زیست می‌پردازد، بیان می‌کند که: «رسیدگی به جرائم فوق‌الذکر خارج از نوبت به عمل می‌آید و مقام قضایی با تنظیم صورت مجلس دستور متوقف ماندن عملیات متجاوز را تا صدور حکم قطعی خواهد داد».

ضرورت‌های سیاست تقنینی به نظر می‌رسد که می‌تواند زمینه اتخاذ اقدامات فوری، تخصصی و چه بسا کارآمدتر از واکنش‌های کیفرگر را فراهم آورد؛ توضیح آنکه تجربه عملی بسیاری از کشورها در کاربست مجازات‌های کیفری شدید و تورم قوانین کیفری در قبال جرائم زیست محیطی نشان می‌دهد که صرف شدت کیفرها نه تنها نمی‌تواند در قبال جرائم زیست محیطی از بازدارندگی برخوردار باشد (Castillo and et al., 2015: 5)، بلکه با عنایت به عدم نهادینه‌سازی فرهنگی احترام به محیط زیست و فقدان درک قبح ارزشی لطمه به آن، در برخی موارد قابلیت سرزنش کیفری مرتکبان جرائم زیست محیطی زیر سؤال است؛ از این رو بسیاری از کشورها، با قضاودایی از برخی حوزه‌های جرائم زیست محیطی، مبادرت به اعمال ضمانت‌اجراهای اداری در خصوص جرائم زیست محیطی کرده‌اند (Fanagan and Joyce, 2009: 16-21) که فقدان آنها در نظام حقوقی ایران محل تأمل است. پیش‌بینی نهادهای تخصصی اداری که مبادرت به اعمال ضمانت‌اجراهای اداری کنند، از این مزیت برخوردار است که علاوه بر فوریت در رسیدگی، سبب می‌شود که ضمانت‌اجراهای جایگزین (به شرحی که پیش از این بیان شد) با تخصص و انعطاف‌پذیری بیشتر اعمال شود (Bethel, 2009: 21). گفتنی است، «لایحه قضاودایی و حذف برخی از عناوین مجرمانه از قوانین»^۱ نیز با لحاظ این موضوع، صلاحیت رسیدگی به تخلفات زیست محیطی را برعهده «هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر سازمان حفاظت از محیط زیست» قرار داده است که با حضور یک مقام قضایی تشکیل می‌شوند.

۴-۲-۲. عدم بهره‌گیری مکفی از ظرفیت تشکل‌های مردم‌نهاد

تشکل‌های مردم‌نهاد یا سازمان‌های غیردولتی،^۲ ابزارهای قدرتمند و مؤثری جهت تحقق اهداف یک سیاست جنایی کارآمد محسوب می‌شوند. این تشکل‌ها که در واقع چشمان بیدار جامعه مدنی محسوب می‌شوند، با اقدام به همکاری بموقع با نهادهای نظارتی در

۱. لایحه مزبور در تاریخ ۱۳۹۱/۴/۶ توسط قوه قضائیه به مجلس وصول شده است و در حال حاضر در کمیسیون‌های مجلس در دست بررسی است. با این وجود آخرین اظهارنظر کارشناسی نسبت به این لایحه مربوط به آذر ۱۳۹۲ است.

2. Non Governmental Organization (N.G.O.)

کشف و اعلام جرم و طرح و پیگیری دعاوی در مراحل مختلف دادرسی، در تحقق و نهادینه شدن یکی از اصول مهم حقوق محیط زیست، یعنی اصل مشارکت و همکاری^۱ که ناظر بر ضرورت همکاری جهت حفظ محیط زیست است (کیس، سند و لانگ، ۱۳۹۲: ۷۵-۷۲)، نقش بسزایی ایفا می‌کنند. این تشکل‌ها، همچنین با ایجاد بسترهای فرهنگی و اجتماعی لازم در جامعه از طریق حساس کردن افکار عمومی، تبلیغات و اطلاع‌رسانی بموقع و درواقع با توجه به ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی کشور، می‌توانند زمینه مشارکت مؤثر مردمی را در راستای مسائل و موضوعات زیست‌محیطی فراهم کنند و چه‌بسا بتوان از وجود چنین نهادهایی در فرایند پاسخ‌دهی به جرائم زیست‌محیطی نیز استفاده کرد و برخی محکومان جرائم زیست‌محیطی را مجبور به مشارکت در فعالیت‌های این سازمان‌ها یا شرکت در برنامه‌های آموزشی آنها نمود.

درخصوص جایگاه تشکل‌های مردم‌نهاد در مقررات کیفری ایران، باید ذکر کرد که اگر چه در قوانین آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ و ۱۳۷۸، از ظرفیت‌های این سازمان‌ها جهت مشارکت در فرایند کیفری، استفاده نشده و آنان را همانند سایر شهروندان عادی صرفاً دارای حق اعلام جرم دانسته بود، ولی در قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، همسو با اندیشه‌های نوین بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، در جهت حمایت از بزه‌دیده و مشارکت دادن سازمان‌های مردم‌نهاد، ماده (۶۶) به تصویب رسید. براساس مفاد متن اولیه این ماده، سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در زمینه حمایت از محیط زیست، علاوه بر حق اعلام جرم (به شرحی که گذشت)، حق معرفی نماینده جهت حضور در دادسرا و دادگاه و دریافت اظهارنامه، حق اظهارنظر و ارائه نظر در مرجع قضایی را داشتند و در پایان نیز چنانچه از نتیجه رسیدگی راضی نبودند، می‌توانستند نسبت به رأی صادر شده اعتراض کنند و در نظر گرفتن همین میزان از اختیارات نیز تحولی در راستای مشارکت جامعه مدنی در فرایند کیفری و درواقع گامی مهم در اتخاذ یک سیاست جنایی مشارکتی قلمداد می‌شد و جایگاه این سازمان‌ها را از یک اعلام‌کننده صرف به یک دنبال‌کننده فعال ارتقا

۱. اصل مشارکت و همکاری که یکی از اصول پایه‌ای حقوق محیط زیست می‌باشد ناظر بر این است که همکاری برای نگهداری محیط زیست، موضوعی ضروری است (کیس، سند و لانگ، ۱۳۹۲: ۷۵-۷۲).

داده بود (خالقی، ۱۳۹۳: ۷۱)، اما بنا به تغییراتی که تحت عنوان اصلاحات در ۱۳۹۴/۳/۲۴ به این ماده وارد شد، حق سازمان‌های خصوصی برای مشارکت در فرایند کیفری، صرفاً محدود به حق شرکت در جلسات (بدون حق اظهارنظر و یا اعتراض به رأی) شده است که همین اختیار هم منحصر به موارد رضایت بزه‌دیده خاص (در جرائم واجد بزه‌دیده خاص) و با لحاظ موارد ممنوعیت علنی بودن جلسات رسیدگی به عمل می‌آید؛^۱ حال آن که حق شرکت در جلسات در مواردی که منافی عفت نباشد و یا در جرائم قابل گذشت مورد درخواست طرفین قرار نگیرد، اساساً به‌عنوان یک حق عام در آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است و نتیجتاً تغییرات به عمل آمده در این خصوص، مفاد ماده (۶۶) را تا حد زیادی تبدیل به یک مقرر تشریفاتی نموده است که فاقد اثربخشی و یا اصلاحی در وضع پیشین می‌باشد.

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

توسل به قانون و استعانت از حقوق کیفری، یکی از ابزارهای مؤثر در حمایت از محیط زیست می‌باشد که در کشورهای دیگر نیز تجربه شده است (پرادل، کورستنز و فرملن، ۱۳۹۳: ۲۴). اما باید اذعان داشت که به‌رغم تنوع و تعدد قوانین کیفری و ... در عرصه محیط زیست، متأسفانه حمایت مؤثری از محیط زیست به عمل نیامده است. دلایل این امر متعدد است، می‌توان این دلایل را در مواردی چون عدم فرهنگ‌سازی در این حوزه، عدم اعتقاد متولیان امر در سه قوه به ارزش و حفاظت از محیط زیست و حمایت از آن، عدم وجود بزه‌دیده خاص و ... جست‌وجو کرد. اما از حیث حقوق کیفری که مدنظر این مقاله است، دلایل عمده را می‌توان در آسیب‌های موجود در دو حوزه حقوق ماهوی و حقوق شکلی دانست. تشتت، پراکندگی و عدم انسجام قوانین زیست محیطی، عدم کفایت جرائم مانع در این حوزه و عدم تناسب مجازات‌ها با جرائم ارتكابی که به جهت فقدان وصف

۱. تبصره «۴» ماده (۶۶) (الحاقی ۱۳۹۴/۳/۲۴): «اجرای این ماده با رعایت اصل یکصد و شصت و پنجم قانون اساسی است و در جرائم منافی عفت سازمان‌های مردم‌نهاد موضوع این ماده می‌توانند با رعایت ماده (۵۵۲) این قانون و تبصره‌های آن تنها اعلام جرم نموده و دلیل خود را به مراجع قضایی ارائه دهند و حق شرکت در جلسات را ندارند.»

ارباب آمیز بودن و قدرت بازدارندگی، مرتکبان جرائم زیست محیطی را در ادامه فعالیت مجرمانه خود جسورتر می‌کند، در زمره عمده‌ترین ضعف‌های حقوق ماهوی ایران در قبال جرائم زیست محیطی به‌شمار می‌رود و از لحاظ مقررات ناظر به کشف و تعقیب جرائم به ترتیب توسط ضابطان دادگستری و دادستان‌ها نیز، جهات عام پیش‌بینی شده برای شروع به تعقیب در آیین دادرسی، با عنایت به ماهیت جرائم زیست محیطی، برای کشف و تعقیب این جرائم کفایت نمی‌کند و بنابراین بسیاری از جرائم زیست محیطی کشف نشده باقی می‌ماند. همچنین، نبود دادگاه‌های تخصصی و یا نهادهای اداری که به اعمال ضمانت اجراهای مدنی در قبال جرائم زیست محیطی مبادرت ورزند، سبب اطاله دادرسی و تعارض سیاست جنایی قضایی با سیاست جنایی تقنینی می‌شود که عملاً وجود مجازات‌های قانونی را بی‌اثر می‌سازد.

از این رو تخصیص آیین دادرسی ویژه، تخصص‌گرایی و استفاده از نهادهای اداری در پاسخ‌دهی نسبت به جرائم زیست محیطی مورد پیشنهاد است ولی در کنار همه عوامل مذکور، به نظر می‌رسد عمده‌ترین معضل و مهم‌ترین عامل در عدم تحقق اهداف سیاست جنایی در حوزه محیط زیست، مشکلات عمیق فرهنگی و عدم درک و آگاهی صحیح از اهمیت محیط زیست و حفظ آن در نزد افکار عمومی است؛ لذا در کنار حمایت‌های کیفری و به‌طور کلی حمایت‌های قانونی از محیط زیست، باید با تقویت نهادها و تشکل‌های مردمی و به‌کارگیری ظرفیت‌های اجتماعی از راه‌های مختلفی نظیر آموزش، اطلاع‌رسانی و انجام تبلیغات، افکار عمومی را نسبت به فجایع زیست محیطی اطراف خود حساس کرده و با ایجاد احساس مسئولیت، تقویت روحیه پرسشگری در شهروندان و ترغیب آنان به پیگیری مطالبات و حقوق خود در داشتن محیطی سالم در مقابل آلاینده‌گان محیط زیست، مشارکت آحاد اجتماع را در پیشگیری از جرائم زیست محیطی و توسعه فرهنگ سبز حمایت از محیط زیست به‌کار گرفت. علاوه بر آن پیشنهاد می‌شود قوای سه‌گانه با به‌کار گرفتن ظرفیت‌های خود در فکر تدوین «قانون جامع حمایت از محیط زیست» که حاوی تمامی رفتارهای صدمه‌زننده مستقیم یا غیرمستقیم به محیط زیست اعم از صدمه به آب، خاک، هوا، جنگل، جانوران، اراضی طبیعی، حریم رودخانه‌ها، تالاب‌ها،

دریاها، سواحل و غیره می‌شود، باشند. بدیهی است گروه تدوین‌کننده که متشکل از کارشناسان حقوقی و کارشناسان رشته‌های مختلف محیط زیست‌اند تمامی مقررات موجود را بازبینی کرده و با توجه به تجربه سایر کشورها، حسب اهمیت و ارزش موضوع مورد لطمه واقع شده، واکنش‌های کیفری مطلوب و متناسب را هم در مورد اشخاص حقیقی و هم در مورد اشخاص حقوقی، در نظر خواهند گرفت. جنبه‌های شکلی موضوع نیز مانند ایجاد ضابطان قضایی تخصصی، مراجع قضایی اعم از دادسرا یا دادگاه تخصصی با وجود قضات متخصص یا مراجع شبه قضایی و فوریت رسیدگی و غیره هم می‌تواند در این قانون جامع پیش‌بینی شود.

منابع و مآخذ

۱. اداره کل قوانین مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۱). صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی، تهران.
۲. پرادل، ژان، گئرت کورستنز و گرت فرملن (۱۳۹۳). حقوق کیفری شورای اروپا، ترجمه محمد آشوری، چاپ اول، تهران، خرسندی.
۳. تقی زاده انصاری، مصطفی (۱۳۷۴). حقوق محیط زیست در ایران، تهران، سمت.
۴. حبیب زاده، محمدجعفر، علی حسین نجفی ابرندآبادی و کیومرث کلانتری (۱۳۸۰). «تورم کیفری: عوامل و پیامدها»، مجله مدرس، ش ۲۱.
۵. خالقی، علی (۱۳۹۳). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، تهران، شهر دانش.
۶. دبیری، فرهاد و مزده کیانی (۱۳۸۶). «بررسی قوانین و مقررات پیشگیرانه از جرمه ارزیابی اثرات زیست محیطی در کشور ایران و چند کشور صنعتی»، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره نهم، ش ۴.
۷. رهامی، روح... (۱۳۹۳). امنیت انسانی و دولت، چاپ اول، تهران، میزان.
۸. شیلتون، دینا و الکساندر کیس (۱۳۸۹). کتابچه قضایی حقوق محیط زیست، ترجمه محسن عبدالهی، چاپ اول، تهران، خرسندی.
۹. عبدالهی، محسن (۱۳۸۶). «حمایت کیفری از محیط زیست: تأملی بر بایسته‌های حمایت کیفری زیست محیطی»، مجله علوم محیطی، سال پنجم، ش ۱.
۱۰. عبدالهی، محسن، محمدحسین رضانی قوام‌آبادی، مسعود فریادی و زهرا ساجدی (۱۳۸۸). حقوق کیفری محیط زیست: ملاحظات و راهکارها، چاپ اول، تهران، انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
۱۱. کوشکی، غلامحسین (۱۳۸۸). «چالش‌های نظام کیفری ایران در حوزه جرائم زیست محیطی»، فصلنامه اطلاع رسانی حقوقی، ش ۱۷ و ۱۸.
۱۲. کیس، الکساندر، پیترو سند و وینفراید لانگ (۱۳۹۲). حقوق محیط زیست، ترجمه محمدحسن حبیبی، ج ۱، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. مارتی، می ری دلماس (۱۳۹۳). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران، میزان.
۱۴. مشهدی، علی (۱۳۹۲). حق بر محیط زیست سالم (الگوی ایرانی - فرانسوی)، تهران، میزان.
۱۵. ناجی زواره، مرتضی (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری، ج ۱، چاپ اول، تهران، خرسندی.

۱۶. نجفی ایرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۱). «درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری: فرصت‌ها و چالش‌ها»، ماهنامه قضاوت، ش ۷۷.

17. Bethell, Emma (2009). "Environmental Regulation: Effective or Deeffective?", *Plymouth Law Review*, No. 1.
18. Castillo, Teresa Fajardo de, Juan Fuentes Osorio, Inmaculada Ramos Tapia and Jesus Verdu Baeza (2015). Fighting Environmental Crime in Spain: A Country Report, European Union Action to Fight Environmental Crime, Work package 2 on "Instruments, Actors and Institutions".
19. Deegan, C. (2002). "The Legitimizing Effect of Social and Environmental Disclosures: a Theoretical Foundation, Accounting", *Auditing and Accountability Journal*, 15.
20. Emery, A. and M. Watson (2004). "Organization and Environmental Crime: Legal and Economic Perspectives", *Managerial Auditing Journal*, 19(6).
21. Eurojust (2014). "Strategic Project on Environmental Crime" (Report), Finalized in October.
22. Fanagan, Alison and Orla Joyce (2009). A Study on the use of Administrative Sanctions for Environmental Offences in other Comparable Countries and Assessment of their Possible use in Ireland, Office of Environmental Enforcement, Environmental Protection Agency, Ireland, Web Only, Available at <http://www.epa.ie>.
23. Faure, Michael G. and Marjolein Visser (2004). "Law and Economics of Environmental Crime", a Survey, New Perspectives on Economic Crime, Chapter 5.
24. Mark A., Cohen (1992). "Environmental Crime and Punishment: Legal/Economic Theory an Empirical Evidence on Enforcement of Federal Environmental Statutes", *Journal of Criminal Law and Criminology*, 82 (4).
25. O'Hear, Michael M. (2004). "Sentencing the Green-Collar Offender: Punishment, Culpability and Environmental Crime", *Journal of Criminal Law and Criminology*, Vol. 95, Issue 1, Article 3.
26. Pereira, Ricardo (2015). *Environmental Criminal Liability and Enforcement in European and International Law*, Brill Publication.
27. Rees, H. (2006). "Can Criminal Law Protect the Environment?": In South, Niger and Beivne Piers, *Green Criminology*, London, Ashgate Publications.
28. Levin, Marc A. and Vikrant P. Reddy (2012). "Engulfed by Environmental Crimes: Over Criminalization on the Gulf Coast", Report of Texas Public Policy Foundation.